	ترجمهٔ کدام عبارت نادرست است؟
خدا آغاز میکنم.	[ ] ١) ابدأً بِاشْمِ اللهِ كَلامي← سخنم را با نام -
ت، در آن گنج و نور است:	٢ ] ٢) فيهِ كَمالُّ، فيهِ كُنوزُّ ← در آن كمالي اس
	٣ ] يُدَرِّسُ فيهِ الْحُكَماءُ ← دانايان در آن در
	إلهى، زاد سُروري → پس نام معب
St. 14: 5 - 15 4 4	2011. IE . CIS (10° IE) \ 5 T 5 -
هم﴾، كدام گزينه است؟	رجمة درست آية ﴿ما ظَلَمْناهُم وَ لَكِن ظَلَموا أَنْفُسَمُ
ها ظلم کردند.	۱ [ ۱ به ما ظلم نشده است، ولی خودشان به آن
ودشان ظلم كردند.	۲] به آنها ظلم نمیشد، ولی خودشان به خ
شان ستم کردند.	۳] به آنها ظلم نکردیم، ولی (آنها) به خود،
قع شدند.	۴ ) به ما ستم نکردند، ولی آنها مورد ستم وا
	ترجمهٔ کدام گزینه درست است؟
1	۱) یَجْلِشْنَ: نمینشینند
۲) سَيَجْعَلُونَ: قرار خواهيد داد	🔲 ۳) لاَتَشْحَكينَ: نمىخندى
🗍 ۴) ما قَبِلْتُنَّ: نپذيرفتند	
درست بیان شده است؟	در کدام گزینه، معنای تمامی کلمات
ے) ۔ مَمَرّ (عابران) ۔ تالی (آیندہ)	۱ 🔲 ۱ ذکیّ (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش
ر) _ مَمَرّ (عابران) _ تالي (آينده)	ا ککی (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش
ر) ـ مَمَرّ (عابران) ـ تالى (آينده) ، كرد) ـ مَمَرُّ مُشاةِ (گذرگاه پياده) ـ أُسوَة (الگو)	ا ککی (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش لَا سَتَرَ (پوشش کی (ارام) _ تَکَلَّمَ (صحبت کی کُلُم (صحبت کی کُلُم (صحبت کی کُلُم اللہ کا کہ ا
ں) ۔ مَمَرّ (عابران) ۔ تالی (آیندہ) کرد) ۔ مَمَرُّ مُشاةٍ (گذرگاہ پیادہ) ۔ أُسوَة (الگو) مت) ۔ فَجْأةً (نجات داد) ۔ قَبیح (زشت)	۱) ذکی (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش ۲) هادی (آرام) _ تَکَلَّمَ (صحبت ۳) حَذَّرَ (هشدار) _ إِشارات (علا
ر) ـ مَمَرّ (عابران) ـ تالى (آينده) • كرد) ـ مَمَرُّ مُشاةِ (گذرگاه پياده) ـ أُسوَة (الگو)	۱) ذکی (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش ۲) هادی (آرام) _ تَکَلَّمَ (صحبت ۳) حَذَّرَ (هشدار) _ إِشارات (علا
ں) ۔ مَمَرّ (عابران) ۔ تالی (آیندہ) کرد) ۔ مَمَرُّ مُشاةٍ (گذرگاہ پیادہ) ۔ أُسوَة (الگو) مت) ۔ فَجْأةً (نجات داد) ۔ قَبیح (زشت)	ا ا ذکی (باهوش) _ سَتَرَ (پوشش ۲ ] ۲) هادئ (آرام) _ تَکَلَّمَ (صحبت ۳ ] ۴) حَذَّرَ (هشدار) _ إِشارات (علا ۴ ] ۴) بُکاءِ (خندیدن) _ لَقَد (شاید)
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده) کرد) - مَمَرُّ مُشاةٍ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو) مت) - فَجْأَةً (نجات داد) - قَبیح (زشت) ا - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد)	ا ا ذکی (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ۲ ا هادئ (آرام) ـ تَکَلَّمَ (صحبت ۳ کَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ۴ ا بُکاءِ (خندیدن) ـ لَقَد (شاید) ترجمهٔ کدام جمله، درست است؟
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده) کرد) - مَمَرُ مُشاةِ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو) مت) - فَجْأةً (نجات داد) - قَبیح (زشت) ا - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد) شما بازی کنم.   ۲ ازْرَعی قَمْحَاً: گندم بکار.	ا ذكى (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ۲ هادئ (آرام) ـ تَكَلَّمَ (صحبت ۳ حَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ۴ بكاء (خنديدن) ـ لَقَد (شايد) ترجمهٔ كدام جمله، درست است؟ ۱ رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده)  کرد) - مَمَرُ مُشاةِ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو)  مت) - فَجْأةً (نجات داد) - قَبیح (زشت)  - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد)  شما بازی کنم.   ۲) إزْرَعی قَمْحًاً: گندم بکار.  ب میکنم.  ۴ آ) اُشکُری اُمّكِ: از مادرت تشکر کردم.	ا ذكى (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ا ٢) هادئ (آرام) ـ تَكلَّمَ (صحبت ٣ ) حَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ٩ ) بُكاءِ (خنديدن) ـ لَقَد (شايد) ترجمهٔ كدام جمله، درست است؟ ١ ) رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با ٣ ) اُطْلُبْ خَيرَ الأمورِ: بهترين كارها را طا
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده)  کرد) - مَمَرُ مُشاةِ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو)  مت) - فَجْأةً (نجات داد) - قَبیح (زشت)  - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد)  شما بازی کنم.   ۲) إزْرَعی قَمْحًاً: گندم بکار.  ب میکنم.   ۴ آ) اُشگری اُمّكِ: از مادرت تشکر کردم.	ا ذكى (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ا ٢) هادئ (آرام) ـ تَكلَّمَ (صحبت ا ٣) حَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ا ٢) بُكاءِ (خنديدن) ـ لَقَد (شايد) ترجمهٔ كدام جمله، درست است؟ ا ) رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با ا ) رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با ترجمهٔ كلمات «آخِرين-اِعتَدَرَ- أَعْجَز- جُسور» بهة ترجمهٔ كلمات «آخِرين-اِعتَدَرَ- أَعْجَز- جُسور» بهة
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده)  کرد) - مَمَرُ مُشاةِ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو)  مت) - فَجْأَةً (نجات داد) - قَبیح (زشت)  - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد)  شما بازی کنم. آ) إزْرَعی قَمْحًاً: گندم بکار.  ب میکنم. آ) اُشکُری اُمّكِ: از مادرت تشکر کردم.  برتیب در کدام گزینه آمده است؟  پلها آ) دیگران - عذرخواهی کرد - ناتهان ترین و باحسارت	ا ا ذکی (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ۲ هادئ (آرام) ـ تَکلَّمَ (صحبت ۳ کَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ۴ کُنَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ۴ کُنَاءِ (خندیدن) ـ لَقَد (شاید) ترجمهٔ کدام جمله، درست است؟ ۱ رَجاءً الْعَب مَعَنا کُرَةَالقَدَم: امیدوارم با ۳ ا اُطلُبْ خَیرَ الأمور: بهترین کارها را طا ترجمهٔ کلمات «آخِرین ـ اِعتَدَرَ ـ أَعْجَز ـ جُسور» به ترین ترجمهٔ کلمات «آخِرین ـ اِعتَدَرَ ـ أَعْجَز ـ جُسور» به ترین
ر) - مَمَرّ (عابران) - تالی (آینده)  کرد) - مَمَرُ مُشاةِ (گذرگاه پیاده) - أُسوَة (الگو)  مت) - فَجْأَةً (نجات داد) - قَبیح (زشت)  - تَصادَم (برخورد کرد) - یَرْقُدُ (بستری شد)  شما بازی کنم.	ا ذكى (باهوش) ـ سَتَرَ (پوشش ا ٢) هادئ (آرام) ـ تَكلَّمَ (صحبت ا ٣) حَذَّرَ (هشدار) ـ إِشارات (علا ا ٢) بُكاءِ (خنديدن) ـ لَقَد (شايد) ترجمهٔ كدام جمله، درست است؟ ا ) رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با ا ) رَجاءً الْعَب مَعَنا كُرَةَالقَدَم: اميدوارم با ترجمهٔ كلمات «آخِرين-اِعتَدَرَ- أَعْجَز- جُسور» بهة ترجمهٔ كلمات «آخِرين-اِعتَدَرَ- أَعْجَز- جُسور» بهة

ت است؟	در کدام گزینه، ترجمهٔ هر دو کلمه نادرس
	۱ 🔲 مُخْزَن: انبار/ إخوان: دو برادر
	۲ 🔲 ۲) آخِر: دیگر/ قَبَّلَ: بوسید
	٣ 🔲 ٢) غَضْبان: خشم/ أعْجَزَ: ناتوان ترين
ق: ياد خوب	(۴ 🌅 ۴) اِعتَذَرَ: معذرت خواست/ لِسانٌ صِد
ن پیاده کشتند.	و در در در ساس ساس و و ر
of the holder of the same of t	در کدام گزینه ترجمهٔ هر دو کلمه درست است؟
14 / m à i 8 . 3 . (Y )	۱) نبات: گیاهان ا صَرَخَ: فریاد زد
۲] ۲) مَضَى: گذشته/ شاب: جوانان ۴] ۴) بَحَثَ: پژوهشها/ فَقَدَ: از دست دادن	🗍 ٣) يَحْتَرِقُ: آتش ميگيرد/ مُحاوَلَة: تلاشكردن
	دام گزینه بر اساس حقیقت درست است؟ در کدام گزینه ترجمهٔ هر دو کلمه نادرست است؟
	در حدام عریمه مرجمه هر دو کلمه نادرست است؟
۲ 🌅 ۲) شَجَّعْنا: تشویق کردیم/ ثَعْلَب: گرگ	۱) مَضَى: گذشت/ مَصير: مسير
۴ منوا/ بَغْتَةً: باقيمانده (۴ منوا/ بَغْتَةً: باقيمانده منوا/ بَغْتَةً	٣) لاَتَقْدِرُ: نمى توانم / حُفْرَة: گودال
و ما موره مانده	جمة حديث «مَا طَأْرَ رَبِينَا اللهِ عَلَيْهِ مِنْ طَأَلَ مِنْ اللهِ عَلَيْهِ مِنْ اللهِ عَلَيْهِ مِن
	ترجمهٔ کدام گزینه درست است؟
نى بايىخ داد. د . د . ا ا	ا أجابَ الجُنودُ: رَأَيْنا دُخاناً مِنْ بَعيدٍ: سرب (٢ ) فَشَهْنا اللهِ أَنْ تَدَالِهِ الْمُنْ تَعِيدٍ: سرب
ری پاست داد. دودی را از دور دیدم.	٢ أَرْبَعَةِ أَفْرِقَةٍ: ما بَه چهار گروه من الله عند الله الله الله الله الله الله الله الل
تفسيم شديم.	الله الله الله الله الله الله الله الله
جزيره نيافت.	٣ ) فَماوَجَدا أَحَدَاً فِي الْجَزِّيَرةِ: كسى ما را در
وزان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند.	۴ ] ) فَرِحَتْ الطالباتُ و سَأَلْنَ الْجُنودَ: دانش آم